کوتاه نگاهی بر «تاریخ و جغرافیای افغان ها و افغانستان»

جناب داکترصاحب را سلام و درود بی پایان.

پیش از همه مراتب سپاس بیکران خویش را خدمت تان تقدیم می دارم که لطف فرموده کاپی الکترونیکی کتاب پرارزش تان را برایم فرستاده بودید. بی نهایت خوشحال گردیده بودم. کتابی به حجم بزرگ و مستند که خواندن چنین اثر وقت کافی را نیاز دارد. به همان اندازه ای که در تهیه و ترتیب کتاب وقت سپری نموده اید، به همان اندازه نیز برای خواندن دقیق آن زمان لازم است. از این رو ناگزیر آن را نه به صورت کامل و دقیق بلکه به صورت موجز و گذرا از نظر گذرانیدم. با آن که نظر گذرایی به آن داشتم، اما قابل گفتن است که:

تا جایی که دریافتم، شما مدت بیش از دو دهه را صرف تهیه و تدارک مواد تحقیقاتی نموده و در این مدت به همهٔ منابع و سرچشمه ها در هرکجا و به هر زبان سرزده و نکاتی از آن منبع را به ذخایر مواد تحقیقاتی تان افزوده اید. مدتی را که در جمعآوری مواد مورد نیاز صرف کرده اید، بدون شک محصول آن کتابی به حجم «تاریخ و جغرافیای افغان ها و افغانستان» گردیده است.

تا جایی که با کار و فعالیت علمی و اکادمیک تان آشنایی دارم، در این مدت دو دهه آثار و نوشته های تان می رساند که به یقین از این دستاورد تان در زمان سپری شده نیز در منابع مختلفه بازتاب داده اید. مقاله ها و ترجمه های تان در مجله ها، سایت های انترنیتی و سایر منبع ها شاهد اند که پی آمد آن همین اثر بزرگ می باشد. پژوهش، تحلیل و بررسی تان از مسایل سیاسی، تاریخی و اجتماعی کشور و منطقه با ارائه شواهد کتبی بوجود آمدن چنین اثر را نوید می داد.

آن چه در این اثر تان بیشتر در تمرکز بحث واقع شده، منشای اقوامی به نام «افغان» است. در بارهٔ این اقوام بحث های زیادی هم در منابع داخلی به راه افتاده و نوشته هایی هم بجا گذاشته شده، مگر کمتر دیگران را به باور رسانده اند. کار شما در این مورد چشمگیر است. در مورد آن منبع های زیادی را به اختیار گذاشته ای تا حقیقتی از تاریخ این اقوام به اختیار قرار گیرد و آن به روش اکادمیک و علمی روشن گردد. اشاره هایی که به منابع قبل از اسلام نموده اید، بیشتر در وضاحت یافتن این نام واژه ممد واقع می شوند.

آن چه را که کتاب از سر تا پا توجه به خود جلب می کند، در کرونولوژی آوردن وقایع بر اساس زمان است. پژوهش ها در مورد افغان ها و افغانستان قبل برین در کرونولوژی وقایع نظر به زمان قرار نگرفته و نیز منابعی که به این وسعت در اختیار بوده، استفاده نشده و به طور عموم پژوهشگران در یک تناقض گفتار قرار گرفته که شما این کرونولوژی را از نظر زمان به بررسی گرفته اید که مشخصه ای برای کتاب به حساب آمده می تواند.

تا جایی که معلوم می شود، پژوهش تان را بر اساس شیوهٔ کتابخانه ای انجام داده اید که در شکل خود در ساحهٔ پژوهش کشور یک کار بزرگ و ابتکار قابل حساب می باشد. با این کار تان محصول بزرگی را حاصل نموده اید که کتابی با حجم بزرگ و بیمانند می باشد. رویهمرفته، دیده می شود که کاری را که انجام داده اید، بی سابقه در زمینهٔ تحقیقات علمی و اکادیمیک در کشور است که دارای ارزش و اهمیت قابل ملاحظه ای می باشد؛ به این صورت:

*- یکی از ارزش هایی که می توان در مورد این کتاب به حساب آورد، واکاوی منبع های زیادی به زبان های مختلفه می باشد که زیاده تر از ۲۴۳ منبع به زبان های پارسی، عربی و پشتو و ۴۲۰ منبع نیز از زبان های انگلیسی، ترکی و دیگر زبان های اروپایی و هم نشر بیشتر از ۴۱ نقشه و ۱۶ تصویر تاریخی می باشد که ارزش کتاب را بلند برده است.

*- ارزش این اثر بیشتر در واقعیتگرایی آن است که بر پایهٔ اسناد و مدارک تهیه شده برای همه باشنده گان افغانستان یک مرجع معتبر برای دریافت حقیقت است.

*- ارزش این کتاب در پرداخت و شیوهٔ نگارش آن بر اساس معیارهای علمی و اکادیمیک است که دیدگاه، حوصله مندی تان در جمعآوری مواد تحقیقاتی، نکته سنجی ها و انگیزش خواندن در آن بیشتر نمایان می شود که سودمند بودن این منبع ها برای پژوهشگران آینده می باشد.

*- یکی دیگر از ارزش های آن در تثبیت هویت اقوام در زمینهٔ تاریخ در عرصه های سیاسی، اجتماعی و هویت تباری در این زمان اضافه تر از دو دهه می باشد.

*- این کتاب ابتکاری است در زمینهٔ تثبیت حقایق بکارگرفته شده که منبع ها را بدون تصرف و یا کم و کاست آورده اید.

*- یکی از ارزش های این پژوهش زمینه سازی برای بیطرفانه بودن آن است.

*- کاری که ارزش کتاب را بیشتر می سازد، به اختیار قراردادن اسناد و شواهد برای خواننده می باشد، که شما در آن دخل و تصرفی نداشته، قضاوت را به شخص خواننده واگذاشته اید.

*- یکی دیگر از ارزش های نمایان این اثر روشن ساختن منابع و به اختیار قراردادن آن ها برای کسانی است که به زبان های خارجی آشنایی ندارند.

*- در حقیقت «تاریخ و جغرافیای افغان ها و افغانستان» یک منبع مکمل برای علاقمندان و پژوهشگران در مورد افغانستان می باشد.

*- چیز دیگری که ارزش آن را برملا می سازد، ارائه اسناد و شواهد با درج عنوان، منبع کتاب، مولف، سال و محل چاپ در آن است که اعتبار اثر را دو چندان بیشتر می سازد.

*- آثار و اسناد ارائه شده پهلوی دیگر مناسبات میان اقوام مختلفه کشور را در زمان های متفاوت روشن می سازد.

ارزش کتاب به مراتب بیشتر از آن است که در چند سطر یاد شد. یقین دارم اگر زمان کافی در اختیار آمد و برای زمینهٔ خواندن دقیق فرصتی یاری رساند، ارزش آن را بیشتر خواهم یافت. این جا چند نکته ای را از مشاهداتم با شما در میان می گذارم؛ به این گونه:

قابل یادآوری میدانم که به صورت عموم زحمت کشی های تان قابل تحسین و شاباش گفتن است که این همه حوصله را به خرچ داده اید تا یک مرجع کامل در ارتباط یک هویت، هویت یک قوم و یک کشور را پیشکش بدارید.

نکته ای که می خواهم مطرح کنم مسئله تاریخ افغانستان است. تا جایی که می بینم، بیشتر از قلم بدستان ما همه قوت ونیروی خود را برای بزرگ نمایی خطه خراسان بکار می گیرند، این هم کار خود شان، اما به فراموش سپردن یکی از بزرگ ترین مناطق سیاسی و تجارتی و فرهنگی تخارستان پیش از سقوط یفتلی ها بوده است. در کلیت برایم طوری معلوم می شود که تخارستان و بدخشان دو منطقه قابل حساب در طی دوران های حاکمیت شاهان کوشانی تا یفتلی بوده و با سقوط دادن این مرکزهای اساسی راه ابریشم آن وقت تلاش در این جهت است که تمدن وابسته بخشی از اقوام آریایی را در ابهام نگهداری کنند. به نظرم بدون روشن ساختن تمدن تخارستان و بدخشان تاریخ افغانستان در یک خلا باقی خواهد ماند.

نکته دیگری هم که در این رابطه است، نام بردن از نام خانواده گی امپراطوری ها و امارت نشین ها با قلمرو و مراکز هر کدام آن ها است. مگر نام های امپراطوری های کوشانی و یفتلی برده نشده و نه هم از مراکز آن ها که در داخل افغانستان بود.

آن چه قابل دقت در مسئلهٔ تاریخ افغانستان می باشد، این است که بیتشرین توجه و دیدگاه ها نسبت به جنوب و جنوب شرق و غرب کشور متمرکز بوده است. این کار در کلیت یک خلای را در تحقیقات تاریخی افغانستان نشان می دهد و آن این که قبل از شکل گیری خراسان و افغانستان قسمت عمده این خطه به وسیلهٔ پادشاهان بزرگ از سلاله های کیداری، خیونیان، کوشانی ها و یفتلی ها اداره می شد که هر یک این سلاله ها بخش بزرگی از آسیای مرکزی و آسیای جنوبی را زیر تسلط خویش داشتند که آثار باستانی زیادی از این سلاله ها در مناطق مختلفه از دل خاک بیرون آمده و به واقعیت تاریخی مهر تصدیق می گذارند.

یک نکته را در رابطه به «تاریخ و جغرافیای افغان ها و افغانستان» می خواهم به طور ویژه مطرح بدارم. تا جایی که آگاه اید، تعدادی از خواننده ها نسبت به آن از موضع خصمانه برخورد می نمایند و تلاش می ورزند، آن را به هیچ جلوه دهند. تا که توان دارند، بر آن حق و ناحق می تازند و سعی دارند تا آن را به زعم خود شان بی تاثیر سازند. در مقابله با آن ها تعداد دیگر آستین را بر زده و از آن استقادهٔ ابزاری می دارند. اثر را به عنوان یک ارزش نه، بلکه وسیله لحن و طعن برای دیگران می سازند. این دو برخورد نسبت به یک اثر علمی و اکادیمیک نادرست خواهد بود. بنابرین باید پذیرفت که این اثر یک مرجع برای کسانی که در مورد تحقیق می نمایند، است.

به امید آثار گرانبهای دیگر تان. موفق و کامگار باشید.

با عرض احترام

دکتور خوش نظر پامیرزاد

مورخ/ ۱۸ جولای ۲۰۲۴